

## Research Paper

# Evaluation of the Relationship Between Educational and Sanitarian Expenditures, Resource Curse and Poverty in Iran



Younes Nademi<sup>1</sup> , \*Seyed Parviz Jalili Kamju<sup>1</sup>

1. PhD. in Economics Sciences, Assistant Professor, Department of Economics, Faculty of Humanities, Ayatollah Borujerdi University Borujerd, Iran.

Use your device to scan  
and read the article online



**Citation** Nademi, Y., & Jalili Kamju, S. P. (2019). [Evaluation of the Relationship Between Educational and Sanitarian Expenditures, Resource Curse and Poverty in Iran (Persian)]. *Quarterly Journal of the Macro and Strategic Policies*, 7(2), 304-325. <https://doi.org/10.32598/JMSP.7.2.304>

<https://doi.org/10.32598/JMSP.7.2.304>



Received: 16 Sep 2017

Accepted: 22 Apr 2018

Available Online: 01 Jul 2019

### Key words:

Educational, Sanitarian government expenditures, Resource curse, Absolute poverty, Iran

### ABSTRACT

In the 20<sup>th</sup> century, market failure in the optimal allocation of resources and the rising poverty in the competitive market resulted in the formation of the welfare state idea with socialist tendencies in the fight against poverty, especially absolute poverty by the governments. The 2015 Economics Nobel Prize to Dayton Angus indicates this government's change in allocation instrument of the market in the fight against poverty. The purpose of this paper is to evaluate the educational and sanitarian government expenditures and resource curse effects on absolute poverty in Iran. Using a Markov switching method, the factors affecting poverty have been modelled and the hypothesis was tested during the period 1985-2014. The results showed that an increase in educational government expenditures had a significant and negative effect on absolute poverty but higher sanitarian government expenditures did not have a decreasing impact on poverty. Also, the evaluation of resource curse hypothesis showed that oil revenue had a threshold and nonlinear effect on absolute poverty. In other words, as long as oil revenue share is less than 13%, the increase in oil revenue portion leads to decrease in absolute poverty but passing more than 13% threshold in oil revenue portion increases absolute poverty.

**JEL Classification:** I39, I32, I31, F12

### \* Corresponding Author:

**Seyed Parviz Jalili Kamju, PhD.**

**Address:** Department of Economics, Faculty of Humanities, Ayatollah Borujerdi University Borujerd, Iran.

**Tel:** +98 (918) 5003597

**E-mail:** parviz.jalili@gmail.com

# ارزیابی رابطه بین مخارج آموزش، بهداشت، نفرین منابع و فقر در ایران

یونس نادمی<sup>۱</sup> \* سید پرویز جلیلی کامجو<sup>۱</sup>

۱- دکتری علوم اقتصادی، استادیار، گروه اقتصاد، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آیت الله بروجردی (ره)، بروجرد، ایران.

## چیکید

تاریخ دریافت: ۲۵ شهریور ۱۳۹۶

تاریخ پذیرش: ۲ اردیبهشت ۱۳۹۷

تاریخ انتشار: ۱۰ تیر ۱۳۹۸

در قرن بیستم شکست بازار در تخصیص بهینه و زایش فقر در بازار رقابت کامل، به شکل گیری تفکر دولت‌های رفاه با گرایش‌های سوسیالیستی در مبارزه با فقر، به‌ویژه فقر مطلق، با استفاده از تخصیص‌های دولتی منجر شد. اعطای جایزه نوبل ۲۰۱۵ به دیتون نشانه‌ای از این تغییر ابزار تخصیص، از بازار به دولت در مبارزه با فقر بود. هدف این مقاله ارزیابی تأثیرات مخارج آموزش و پرورش و مخارج بهداشتی دولت بر فقر در ایران است. هدف دیگر پژوهش، ارزیابی فرضیه نفرین منابع از منظر نحوه تأثیرگذاری درآمدهای نفتی بر فقر در ایران است. بدین منظور با مدل‌سازی عوامل مؤثر بر فقر و به‌کارگیری روش مارکوف سوئیچینگ، فرضیه‌های پژوهش در بازه زمانی ۱۳۹۳-۱۳۶۴ آزموده شد. نتایج حاصل از برآورد مدل‌های پژوهش نشان داده است افزایش نسبت مخارج آموزش و پرورش دولت به کل مخارج دولت تأثیر منفی و معنی‌داری بر شاخص فقر مطلق داشته است. در حالی که نسبت مخارج بهداشتی دولت به کل مخارج دولت، نتوانسته به کاهش فقر کمک کند. همچنین ارزیابی فرضیه نفرین منابع بر فقر نشان داده است که نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی، تأثیری غیرخطی و آستانه‌ای بر شاخص فقر مطلق داشته است. به عبارت دیگر تا زمانی که نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی کمتر از ۱۳ درصد باشد، افزایش سهم درآمدهای نفتی در تولید ناخالص داخلی توانسته است موجب کاهش فقر شود، اما پس از افزایش سهم درآمدهای نفتی در اقتصاد و عبور از حد آستانه ۱۳ درصد، افزایش سهم درآمدهای نفتی در تولید ناخالص داخلی موجب افزایش فقر شده است.

طبقه‌بندی JEL: I39, I32, I31, F12

## کلیدواژه‌ها:

مخارج آموزش و پرورش، مخارج بهداشتی، نفرین منابع، فقر مطلق، ایران

\* نویسنده مسئول:

دکتر سید پرویز جلیلی کامجو

نشانی: بروجرد، دانشگاه آیت‌الله بروجردی (ره)، دانشکده علوم انسانی، گروه اقتصاد.

تلفن: ۰۲۵۹۷۰۰۳۵۹۷ (۹۱۸) ۹۸+

پست الکترونیکی: parviz.jalili@gmail.com

## مقدمه

در قرن بیستم شکست بازار در تخصیص بهینه و زایش فقر در بازار رقابت کامل به شکل گیری تفکر دولت‌های رفاه با گرایش‌های سوسیالیستی در مبارزه با فقر به خصوص فقر مطلق با استفاده از تخصیص‌های دولتی منجر شد. اعطای جایزه نوبل ۲۰۱۵ به انگس دیتون<sup>۱</sup> نشانه‌ای از این تغییر ابزار تخصیص در مبارزه با فقر بود. فقر قوی‌ترین و شایع‌ترین مصیبت بشری است (گالبرایت، ۱۹۹۰). در دهه‌های اخیر پژوهش‌های توسعه به سمت سیاست‌های دولتی در کاهش فقر گرایش داشته است (علمی و علی تبار، ۲۰۱۳). به طوری که دولت‌ها بیشترین بودجه‌ها را برای مبارزه با این مصیبت، هزینه می‌کنند (اوماری و موتاری، ۲۰۱۶). منبع اصلی هزینه‌های دولتی در کشورهای نفت‌خیز در حال توسعه، سرمایه‌های طبیعی مانند نفت و گاز است (درگاهی، ۲۰۰۹)، اما آیا تخصیص چنین منابعی از سوی دولت‌ها، به طور بهینه منجر به کاهش فقر شده است؟ (جرجرزاده، ۲۰۱۲).

ظهور و پیدایش انواع جدیدی از مدل‌های رشد که موسوم به مدل‌های رشد درون‌زا هستند، موجب شده در نتایج مدل‌های رشد نئو کلاسیک مبنی بر خنثی بودن نقش دولت در رشد بخش‌های مختلف اقتصادی تجدید نظر شود (صادقی و داوودی، ۲۰۱۴). به دلایل مختلف از جمله شکست بازار و قدرت یافتن دولت‌های رفاه، جهت‌گیری برنامه‌ریزان اقتصادی در طول دو دهه اخیر، از رشد سریع و خودکار اقتصادی، جای خود را به توسعه انسانی، کاهش فقر و نابرابری با استفاده از دخالت دولت داده است (خداپرست و داوودی، ۲۰۱۳)، زیرا بسیاری از دهک‌های درآمدی در شهرها و روستاها، از مواهب رشد سریع اقتصادی بهره‌مند نمی‌شوند و با وجود رشد اقتصادی، شکاف طبقاتی و فقر عمیق‌تر شده است (خلخالی، مهرگان و دلیری، ۲۰۱۰).

با تقویت دولت‌های رفاه و حتی در بدترین حالت، دولت حداقلی کلاسیکی، تخصیص بهینه هزینه‌های دولت در مسیر افزایش رفاه و کاهش فقر اهمیت می‌یابد، زیرا اتخاذ سیاست‌های متفاوت در تخصیص منابع بخش عمومی به امور مختلف، پیامدهای رفاهی و توزیعی گوناگونی در بردارد و باید کارآمدترین سیاست در دسترس استفاده شود (اوساندینا، ابره و اوساندینا، ۲۰۱۴). بنابراین اولویت‌بندی اثربخشی هزینه‌های دولت بر کاهش فقر بسیار ضروری می‌نماید (ترکمانی و جمالی مقدم، ۲۰۰۵). در قانون اساسی ایران در اصول ۳، ۲۱، ۲۹، ۳۱ و ۴۳ به طور شفاف به رویکرد کاهش فقر و تأمین رفاه اشاره شده است، به طوری که استنباط یک دولت دارای رفاه از این اصول، دور از عقلانیت نیست (احمدی شادمهری و داوودی، ۲۰۱۵).

طیف وسیعی از متغیرها بر فقر مؤثر است و راه‌حل‌های متعددی برای مبارزه با آن پیشنهاد شده است، اما سؤال اصلی این پژوهش این است که آیا دولت‌ها با تخصیص مجدد مخارج عمومی، می‌توانند اثربخشی این مخارج در مبارزه با فقر را افزایش دهند؟ پاسخ به این سؤال نیازمند شناخت آثار هر یک از اجزای مخارج عمومی بر فقر است. میزان درآمد فرد با میزان تحصیلات و سلامت جسمانی وی همبستگی بالایی دارد و تفاوت در میزان درآمد به تفاوت در سطح تحصیلات و سلامت بدنی برمی‌گردد (شولتز، ۱۹۶۱). طرفداران نظریه سرمایه انسانی متذکرند که در بلندمدت، بهترین روش برای تغییر در توزیع درآمدها، سرمایه‌گذاری در سرمایه

1. Angus Stewart Deaton

انسانی است (کاکوانی، واگستاف و وان دورلر، ۱۹۹۷). سرمایه‌گذاری در آموزش به توزیع عادلانه‌تر درآمدها می‌انجامد و هم از طریق بازده پولی و هم از طریق اثرات غیرپولی موجب کاهش فقر می‌شود (بکر، ۱۹۶۴) و درآمد هر فرد تحت تأثیر هزینه‌های سرمایه‌گذاری در آموزش و نرخ بازده آن قرار می‌گیرد (مینسر، ۱۹۵۸). در ایران آموزش، بخصوص آموزش دولتی، اثر کاهنده بر فقر دارد (خداداد کاشی و جاویدی، ۲۰۰۵). سرمایه‌گذاری دولت در آموزش در بلندمدت به کاهش فقر منجر می‌شود و این چالش جدی اقتصاد نئولیبرالی است (گوریتز، ۲۰۱۷). به طور میانگین افراد دارای تحصیلات بالاتر درآمد بیشتری دارند و با احتمال فقر کمتری روبه‌رو هستند (خداداد کاشی و جاویدی، ۲۰۰۵). اطلاعات اتحادیه اروپا نشان می‌دهد فقر درآمدی با فقر کیفی کار، فقر آموزش، سرمایه اجتماعی پایین و سیاست اقتصادی ضعیف مرتبط است (سانز و پریس و اسکامز، ۲۰۱۷).

به این ترتیب هدف این پژوهش ارزیابی تأثیر مخارج بهداشتی و آموزشی دولت، با تأکید بر منبع اصلی تأمین آن، یعنی رانت حاصل از فروش منابع طبیعی، بر کاهش فقر مطلق است. ایران با در اختیار داشتن ۱۸/۲ درصد (۳۲ تریلیون مترمکعب) ذخایر گاز جهان و با ۹/۳ درصد ذخایر نفت جهان (۱۵۷/۸ میلیارد بشکه) به ترتیب حائز رتبه اول و چهارم جهان است.<sup>۲</sup> به طور میانگین در سه دهه اخیر ۵۰ درصد بودجه دولت ایران وابسته به این منابع طبیعی بوده است. اما آیا بودجه دولتی که شامل هزینه‌های آموزش و پرورش و هزینه‌های بهداشتی است، به توسعه و نتایج آن مانند کاهش فقر و به خصوص فقر مطلق منجر شده است؟

نتایج مطالعات مختلف نشان می‌دهد فرضیه نفرین منابع<sup>۳</sup> را درباره ایران نمی‌توان رد کرد (جرجرزاده، ۲۰۱۲). به این ترتیب تأثیر مخارج آموزشی و بهداشتی بر فقر در یک اقتصاد رانتیر مبتنی بر نفت بسیار ضروری به نظر می‌رسد، زیرا اگر درآمد حاصل از منابع طبیعی در راستای مخارج آموزشی و بهداشتی، به کاهش فقر منجر نشود، ممکن است فرضیه نفرین منابع در این اقتصاد رد نشود، همچنین در تقابل بین تخصیص دولتی و بازاری تأثیر مخارج آموزشی و بهداشتی بر کاهش فقر می‌تواند به تقویت فرضیه شکست بازار در مواجهه با مقابله با فقر منجر باشد.

## ۱- ادبیات موضوع

مطالعات فقر عموماً به دو دسته برآورد شاخص‌ها و خطوط فقر و یا تأثیر متقابل فقر و متغیرهای اقتصادی اجتماعی اختصاص دارد. این پژوهش مبتنی بر رویکرد دوم در پی ارزیابی تأثیر مخارج آموزشی و بهداشتی در بودجه دولت با تأکید بر منابع تأمین این هزینه‌ها که رانت حاصل از فروش نفت و گاز است، بر فقر مطلق است.

### ۱-۱- فقر مطلق

فقر تقسیم‌بندی‌های متعددی دارد: فقر غذایی (پژویان، ۱۹۹۴)، فقر مطلق یا نسبی (خداداد کاشی و جاویدی،

2. <https://bp.com>

3. Resource Curse

۲۰۱۲)، فقر شهری یا روستایی (خالدی، ۲۰۰۵)، فقر دائمی یا موقتی، فقر جزیره‌ای یا فراگیر، فقر قابلیت‌ی (نداشتن حق انتخاب، آزادی و مشارکت) (سن، ۱۹۷۶)، که مفاهیمی عینی هستند و فقر آموزشی، فقر فرهنگی (معنوی)، فقر روانی، فقر ذهنی، که مفاهیمی انتزاعی هستند (رئیس‌دانا، شادی‌طلب و پیران، ۲۰۰۰)، خط فقر مسکن و خط فقر بهداشتی (سوری، ۱۹۹۸).

فقر مطلق ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی است (مرکز آمار آمریکا<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵). بوث و راونتری<sup>۵</sup> (۱۹۰۱) فقر مطلق را موضوعی عینی دانسته و با حداقل معیشت مرتبط ساخته و فقر نسبی را ناتوانی در کسب سطح معینی از استانداردهای زندگی تعریف کرده است که در جامعه فعلی لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، (خالدی، ۲۰۰۵؛ پیرایی و شهسواری، ۲۰۰۹؛ خدادادکاشی، حیدری و باقری، ۲۰۰۵). به صورت کلی دو رویکرد عمده در برآورد خط فقر مطلق وجود دارد و بیشتر روش‌ها با اندکی تعدیل مبتنی بر این دو رویکرد است: رویکرد نیازهای اساسی (حداقل معاش) (پژویان، ۱۹۹۴) و رویکرد نسبت غذا (معکوس ضریب انگل) (تکینسون، ۱۹۸۷، میدن، ۱۹۹۹). خط فقر مطلق شکاف‌های قاطع طبقاتی را اندازه‌گیری می‌کند (رئیس‌دانا، ۱۳۷۹). بر اساس گزارش اهداف توسعه هزاره<sup>۶</sup> (۲۰۱۵) سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۰، در کشورهای در حال توسعه ۴۷ درصد مردم زیر خط فقر زندگی می‌کردند، در صورتی که در سال ۲۰۱۵ این نرخ به ۱۴ درصد رسیده است، همچنین تعداد افراد شدیداً فقیر در سال ۱۹۹۰ از ۱۹۲۶ میلیون نفر به ۸۳۶ میلیون نفر در سال ۲۰۱۵ رسیده است. راغر (۲۰۰۵) فقر را نتیجه ساختار قدرت و نظام اجتماعی می‌داند و این سؤال را مطرح می‌کند که چرا با وجود پیشرفت‌های گسترده هنوز فقر تداوم دارد. طبق استانداردهای استراتژی ۲۰۲۰ اروپا اگر درآمد خانوادگی از متوسط ۶۰ درصد جامعه پایین‌تر است یا شدت اشتغال (نسبت افراد شاغل در خانواده به کل افراد) زیر ۲۰ درصد است، آن خانواده در معرض ریسک فقر مطلق قرار دارد (سانز و همکاران، ۲۰۱۷).

### ۱-۱-۱- عوامل مؤثر بر فقر

مبتنی بر نتایج مطالعات مختلف داخلی و خارجی، عوامل مؤثر بر فقر را می‌توان به دو دسته کلی عوامل مختص فرد و خانواده و عوامل اقتصاد کلان و زیرساخت‌های اجتماعی تقسیم کرد.

الف) عوامل مختص فرد و خانواده: جنسیت (کشاورز حداد و چراغی، ۲۰۰۷)، تأهل (کمالی، ۱۳۸۳)، ارث و ثروت خانوادگی (عرب مازار، حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳)، طبقه اجتماعی، سالم‌بودن مادرزادی فرد، صاحب پدر و مادر بودن (فوت یا متارکه)، سطح سواد و مهارت (ضعف سیستم آموزشی و سرمایه انسانی) (کمالی، ۱۳۸۳)، نقش اشتغال زنان در کاهش فقر خانواده‌ها، بُعد خانوار (نیلوفر و گنجعلی، ۲۰۰۸) و بار تکفل (عرب مازار و حسینی‌نژاد، ۱۳۸۳)، نوع فعالیت اقتصادی سرپرست خانوار (خدادادکاشی و همکاران، ۲۰۰۵).

ب) عوامل اقتصاد کلان و زیرساخت‌های اجتماعی: بیکاری و وضع اشتغال (کمالی، ۱۳۸۳)، تورم، رشد

4. United Nations Statistics Division (UNSD)

5. Booth

6. The Millennium Development Goals Report

اقتصادی (نورمحمدی و حاضری، ۱۳۹۰)، شکاف طبقاتی شامل شکاف درآمدی و ثروتی (طرازکار و زیبایی، ۱۳۸۳)، جنگ و ناآرامی های اجتماعی، بلایای طبیعی، مهاجرت و حاشیه نشینی (علاءالدینی و امامی، ۱۳۸۴)، سرمایه اجتماعی (غفاری، حق پرست، ۱۳۸۳)، بودجه دولت و سیاست های مالی (صامتی و کرمی، ۱۳۸۳)، ضعف نقش نهادهای حمایتی (بهزیستی، کمیته امداد، بیمه)، ضعف تکنولوژی در مناطق روستایی، ضعف بخش کشاورزی (ضعف بهره‌وری). در کشورهای در حال توسعه، فقر روستایی، شاخص های جغرافیایی (عرب مازار و حسینی نژاد، ۱۳۸۳)، ساختار قدرت و نظام اجتماعی (راغفر، ۲۰۰۵).

در اقتصاد اسلامی بر پرداخت مالیات و سیستم مالیاتی (زکات و فطره) تأکید شده است. در ایران در دهه ۷۰ سیاست های تعدیل ساختار اقتصاد منجر به افزایش فقر شهری شده است (محمودی، ۲۰۰۲). در سال های اخیر نیز هدفمندی یارانه ها (قطع یارانه ارکان اصلی سبد مصرفی خانوار) از عوامل کلان اقتصادی تعیین کننده فقر شناخته شده است.

### ۱-۲- نفرین منابع و فقر

تا قبل از دهه ۱۹۸۰ اقتصاددانان بر تأثیر مثبت منابع طبیعی بر روند توسعه تأکید می کردند، اما مطالعات نشان داد که احتمال ایجاد پیامدهای منفی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ناشی از رانت منابع طبیعی می تواند این نعمت را به نعمت تبدیل کند (دیوس و فدلینو و اوستوفسکی، ۲۰۰۳). چنان که بیشتر کشورهای دارای منابع معدنی بخصوص نفت و گاز از گسترش فقر و نابرابری رنج می برند (کلیر و کودریز، ۲۰۰۸). ایجاد نهادهای ضعیف، انتقال رانت طبیعی به سایر بخش های اقتصادی، انحراف تخصیص منابع، بی ثباتی در قیمت منابع اولیه صادراتی، شکاف طبقاتی و افزایش در نابرابری، کاهش نرخ رشد اقتصادی به دلیل وابستگی به اقتصاد تک محصولی، حاکمیت و ساختار سیاسی رانتیر و بیماری هلندی، کانال های تأثیر گذاری و فور منابع طبیعی بر فقر است (رز، ۲۰۰۱، رحمانی و گلستانی، ۲۰۱۰).

نتایج مطالعات، رابطه بین وفور منابع طبیعی و فقر را نشان نمی دهند، بلکه این نهادها هستند که ثروت طبیعی را به جای آنکه تبدیل به موهبت کنند، به نفرین تبدیل کرده اند (جرجرزاده، ۲۰۱۲). فرضیه نفرین منابع طبیعی در ایران در مطالعات بسیاری تأیید شده است (خداویسی و قرهباغیان، ۱۹۹۷؛ خوش اخلاق و موسوی محسنی، ۲۰۰۷؛ درگاهی، ۲۰۰۹) و مطالعات معدودی نیز این فرضیه را رد کرده اند.

### ۱-۳- مخارج آموزشی و فقر

۷۸۰ میلیون بزرگسال و ۱۰۳ میلیون جوان (۱۵ تا ۲۴ سال) بی سواد در جهان وجود دارد (سازن و همکاران، ۲۰۱۷). آموزش علاوه بر تأثیر مستقیم بر افزایش درآمد، تأثیر غیرمستقیم بر تصمیم گیری فرد می گذارد و متغیر کلیدی در جلوگیری از بروز فقر و حتی خروج از فقر است (سن، ۱۹۷۶). بر اساس رویکرد کینزی، آموزش از سطح فقر و نابرابری درآمدها می کاهد (مهربانی، ۲۰۰۸). آموزش در مدل های رشد و تئوری های رفاه از دهه های ۸۰ و ۹۰ میلادی و در مدل های رشد درونزا و مدل رشد نئوکلاسیک اهمیت یافت و بر آن تأکید

شد. آرو (۱۹۶۲) مدل‌های رشد یادگیری در حین کار را مطرح کرد. در دهه ۹۰ مدل‌های رشد مبتنی بر دانش توسط رومر (۱۹۹۰)، گراسمن و هلیمن (۱۹۹۱) و مطرح شد. بسیاری از مدل‌های رشد اقتصادی بر این موضوع تأکید دارند که آموزش به صورت مستقیم می‌تواند بر رشد اقتصادی اثر بگذارد.

بسیاری از مباحث نظری بر این مسئله تأکید دارند که آموزش قادر است به طور مستقیم بر بهبود فرایند تغییر تکنولوژی و رشد اقتصادی اثرگذار باشد (لوکاس، ۱۹۸۸؛ رومر ۱۹۹۰؛ بارو ۱۹۹۱؛ مانکیو رومر و ویل، ۱۹۹۲؛ آسم اقلو و انگریست، ۲۰۰۰) و از این طریق نیز می‌تواند بر کاهش فقر مؤثر باشد. هزینه‌های آموزش به صورت خصوصی و دولتی انجام می‌شود. هزینه‌های آموزش اثرات خارجی مثبتی مانند دستیابی به آگاهی بیشتر، بهداشت فردی مناسب‌تر، مرگ‌ومیر کمتر، بعد خانواده کمتر، سرمایه‌گذاری کارآتر و انتخاب‌های اقتصاد سیاسی بهینه دارد که در مجموع موجب بهره‌وری و مشارکت بیشتر نیروی کار و رشد اقتصادی بیشتر (آبهیجت، ۲۰۱۰) و کاهش فقر می‌شود (شولتز، ۱۹۶۱؛ صادقی و داوودی، ۲۰۱۴). فقر مزمن در خانوارهای با سرپرست بی‌سواد یا کم‌سواد بیشتر رایج است و این اثر در مناطق شهری نسبت به مناطق روستایی تأثیر بیشتری دارد (صالحی اصفهانی و مجبوری، ۲۰۱۳).

دو راه برای کاهش نابرابری و فقر در جوامع امروزی وجود دارد: اول بازتوزیع درآمد از طریق مالیات‌ها و دوم بهبود سرمایه‌انسانی طبقات فقیر (کارابانا، ۲۰۱۶؛ استیگلیتز، ۲۰۱۵). هزینه‌های آموزش در مقاطع ابتدایی، نسبت به هزینه در تحصیلات عالی، تأثیر بیشتری در احتمال خروج از فقر دارد (اوساندینا و همکاران، ۲۰۱۴). گوریتز (۲۰۱۷) نشان داد رابطه‌ای دوطرفه بین فقر و آموزش وجود دارد و نتایج تجربی نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری دولت در بخش آموزش به طور معنی‌داری در بلندمدت می‌تواند به کاهش فقر منجر شود.

#### ۱-۴- مخارج بهداشتی و فقر

سلامت مهم‌ترین سرمایه‌انسانی است و ضعف آن عامل مهمی در زایش فقر است (دیتون، ۲۰۰۷). در بسیاری از موارد با سرمایه‌گذاری در سلامت (وارائه خدمات بهداشتی و درمانی) سرمایه‌انسانی قابل ترمیم و احیاست. مخارج بهداشتی به عنوان سرمایه‌گذاری برای انباشت سرمایه‌های انسانی تلقی می‌شود (گروسمن، ۱۹۷۲؛ فوجز، ۱۹۶۶؛ موشکین، ۱۹۶۲؛ ونزن و مویسکین، ۲۰۰۱). مخارج بهداشتی در صورتی که سلامت افراد جامعه را ارتقا بخشد، می‌تواند از طریق بهبود بهره‌وری و افزایش عرضه نیروی کار به افزایش تولید منجر شود (مویسکین، یتکینر و زیسمر، ۲۰۰۳). در هر ساعت ۱۱ کودک زیر ۵ سال و ۳۳ زن به دلیل فقر مراقبت‌های پزشکی می‌میرند و ۶۶۰ میلیون نفر به آب آشامیدنی سالم دسترسی ندارند و ۲/۴ میلیارد نفر امکانات بهداشتی مناسب در اختیار ندارند (سانز و همکاران، ۲۰۱۷). با توجه به اینکه در اغلب کشورهای در حال توسعه میزان زادوولد بسیار زیاد است، بنابراین، بار تکفل بسیار زیاد بوده و میزان پس‌انداز و در نتیجه تولید کم است. مخارج بهداشتی در زمینه تنظیم خانواده و کنترل جمعیت، می‌تواند میزان زادوولد و به تبع آن بار تکفل را کم کند؛ علاوه بر این، مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی را افزایش دهد (شغلر، ۲۰۰۴).

وجود نقیصه‌هایی در نظام تأمین مالی مخارج بهداشتی و درمانی که به بروز مواردی نظیر حالت هزینه‌های

اسفبار یا کمرشکن برای خانوارها منجر می شود، می تواند عامل زایش فقر آنی و یا پایدار باشد، به اصطلاح اقتصاددانان این دسته از خانوارها از حالت فقر آنی و گذرا در تله فقر پایدار و دائمی گرفتار می شوند، به این ترتیب افزایش مخارج بهداشتی دولتی می تواند منبع این کانال ایجاد فقر شود. به طور خلاصه پدیده زایش فقر ناشی از هزینه های سلامت دو پیامد دارد: اول اینکه گروهی از خانوارهای غیرفقر را به کام فقر می کشاند و دوم، دسته ای از خانوارهای فقیر ولی مستعد برون رفت از شرایط فقر را برای مدت طولانی تری در شرایط تهیدستی گرفتار می کند (مهرآرا و مکی نیری، ۲۰۰۹).

بنا بر آمار ارائه شده سال ۱۳۸۶ سه درصد از بیماران به دلیل هزینه های کمرشکن سلامت، به زیر خط فقر سقوط کرده اند، اما این رقم در سال ۱۳۹۲ افزایش یافته است؛ به طوری که نرُم کشوری آن به ۷/۵ درصد رسیده است. از طرف دیگر گمانه زنی ها بر آن است که سالانه حدود ۱۳ درصد تهرانی ها به دلیل هزینه های کمرشکن سلامت، زیر خطر فقر می روند. هرچه اتکای نظام سلامت به منابع جذب شده از طریق «پرداخت از جیب» افراد بیشتر باشد، علاوه بر اینکه پایداری نظام سلامت به شدت تهدید می شود، احتمال زایش فقر نیز بیشتر می گردد. در کشورهای منطقه، ایران بیشترین میزان پرداخت از جیب را داشته و نزدیک به ۵۹ درصد کل هزینه های سلامت جامعه، به طور مستقیم بر افراد تحمیل شده است. به دلیل رشد فناوری پزشکی، تغییر شیوه زندگی به سمت صنعتی شدن، افزایش سطح دسترسی و سطح آگاهی افراد به خدمات سلامت و ظهور بیماری های جدید، هزینه خدمات سلامت با رشد فزاینده ای روبه رو بوده است. از این رو تأمین منابع مالی این خدمات، یکی از موضوعات بسیار مهم در مطالعات اقتصاد سلامت بوده است (راغفر، ۲۰۰۵).

## ۱-۵- پیشینه پژوهش

**سکزجفری و وارنر (۱۹۹۵)** نشان دادند رشد اقتصادی کشورهای دارای منابع طبیعی در دهه ۷۰ و ۸۰ میلادی به طور منفی تحت تأثیر منابع طبیعی بوده است. فن، هازل و تورات (۲۰۰۱) هزینه های دولت در بهداشت، آموزش و توسعه بیشترین تأثیر را بر کاهش فقر و نابرابری به ویژه در مناطق روستایی هند داشته است. همچنین نشان داده شده است هزینه های دولت اتیوپی در زیرساخت ها اثرات کمتری بر فقر و توزیع درآمد نسبت به آموزش و بهداشت دارد. محققان دیگری هم نشان دادند در کشورهای زیر صحرای آفریقا بین هزینه های دولت، بهداشت بیشترین کارایی را در فقر زدایی داشته است. شوبرت (۲۰۰۶) نشان داد در دهه های اخیر با افزایش درآمدهای نفتی در نیجریه و آنگولا، تعداد افراد فقیر افزایش یافته است، پس نفت نتوانسته محرک توسعه باشد.

**وندریلاگ (۲۰۰۷)** نشان داد به هیچ وجه بین درآمد نفت و نرخ رشد تولید ناخالص ملی در سطح بین کشوری رابطه مثبتی وجود ندارد. **ذالاکا (۲۰۰۷)** در کلمبیا نشان داد سرمایه گذاری در آموزش اثرات پولی و غیرپولی بر فقر دارد. **اچیا و همکاران (۲۰۱۰)** در کنیا نشان دادند تأثیر مخارج آموزشی بر احتمال خروج از فقر در بین خانواده های روستایی بیشتر از خانواده های شهری است. **اوقداری و اوریخی (۲۰۱۰)**، با استفاده مدل یوهانسن جوسیلیوس طی دوره ۱۹۶۱ تا ۲۰۰۷ در نیجریه، **آلم و همکاران (۲۰۱۰)**، در کشور آسیایی در دوره



۱۹۷۰ تا ۲۰۰۵، وانگ (۲۰۱۱)، برای ۳۱ کشور منتخب در دوره ۱۹۸۶ تا ۲۰۰۷، انابی و همکاران (۲۰۱۱)، با استفاده از مدل های هم پوشانی نسلی در دوره ۱۹۷۵ تا ۲۰۰۹، محد و همکاران (۲۰۱۲) با کاربرد رابطه علت و گرنجری در مالزی، نشان دادند هزینه های آموزش و هزینه بهداشتی دولت تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد و می تواند کانالی برای کاهش فقر نیز باشد. مالیک و همکاران (۲۰۱۴) نشان دادند دسترسی به امکانات بهداشتی نظیر آب پاک، تأثیر معنی داری بر فقر در خانوارهای پاکستانی دارد.

نتایج پژوهش آرکولانیا و آزودا (۲۰۱۴) نشان دادند زمانی که مصرف بخش خصوصی و دولتی جایگزین هم هستند، هزینه های دولت ناکاراست و توانایی ارتقای سطح استاندارد زندگی را ندارد و زمانی که مکمل باشند، کارایی هزینه های دولت در افزایش رفاه و کاهش فقر بیشتر می شود. کارابانا (۲۰۱۶) و استیگلیتز (۲۰۱۵) ارتقای سرمایه انسانی را مهم ترین ابزار مقابله پایدار با فقر در طبقات پایین می دانند. اوماری و موتاری (۲۰۱۶) به ارزیابی هزینه های بخش های مختلف بودجه دولت در کاهش فقر در کنیا در دوره ۱۹۶۴ تا ۲۰۱۰ پرداختند. نتایج نشان داد هزینه های بهداشت و کشاورزی تأثیر مثبت، زیرساختی دارای تأثیر منفی و آموزش بر احتمال خروج از فقر دارای تأثیر معنی دار نیست. سانز و همکاران (۲۰۱۷) نشان دادند تحصیلات عالی تأثیر مستقیمی بر کاهش فقر دارد. مطالعات متعددی در زمینه تأثیر هزینه های دولت بر فقر توسط فن و همکاران (۲۰۰۱، ۲۰۰۲، ۲۰۰۴، ۲۰۰۶)، در کشورهای مختلف مانند هند، چین، تایلند، ویتنام، اوگاندا، تانزانیا و یمن، در موسسه بین المللی تحقیقات در سیاست های غذا<sup>۲</sup> انجام شده است. نتایج نشان داد در کشورهای با درآمد پایین مانند هند و اوگاندا هزینه های آموزش و زیرساخت ها منجر به کاهش فقر شده است، در کشورهای با درآمد متوسط مانند تایلند هزینه های آموزش ابتدایی تأثیر معنی داری بر فقر ندارد. همچنین در کشورهای نفت خیز مانند یمن هزینه های دولت در بخش کشاورزی و روستایی بر کاهش فقر تأثیر مثبت داشته است.

ترکمانی و جمالی مقدم (۲۰۰۵) نشان دادند سرمایه گذاری در توسعه و عمران روستایی، تحقیق و توسعه کشاورزی و بهداشت بیشترین تأثیر را بر کاهش فقر روستایی دارند. زیبایی و شیروانیان (۲۰۰۷) رابطه متقابل غیرخطی بین متغیرهای اقتصاد کلان و فقر را در دوره ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۳ اثبات کردند. پژوهش مهربانی (۲۰۰۸) نشان داد نرخ ثبت نام در مقطع دبیرستان رابطه ای معکوس و معنادار با فقر و نابرابری درآمدها دارد و نسبت مخارج آموزشی به تولید ناخالص ملی نیز از سطح فقر و نابرابری درآمدها به طور معناداری کاسته است. همچنین تحقیق دیگری به ارزیابی تأثیر هزینه های مختلف دولت بر اشتغال غیرکشاورزی و فقر در مناطق مختلف ایران در دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۴ پرداختند و نتایج نشان داد هزینه های زیرساختی، تأثیر معنی داری بر کاهش فقر روستایی دارد. صادقی و داودی (۲۰۱۴) به ارزیابی تأثیر متغیرهای اقتصادی و هزینه های آموزش و بهداشت بر فقر روستایی در دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۸ پرداختند. نتایج نشان داد سرمایه گذاری عمومی در بخش آب، بهداشت و جاده بیشترین اثر را بر کاهش فقر در مناطق روستایی داشته اند.

مشکانی (۲۰۱۲) با استفاده از یک مدل تعادل عمومی پویا همراه با ماتریس حسابداری اجتماعی سال ۱۳۸۰، نشان داد رشد مخارج آموزش باعث کاهش فقر و توزیع مطلوب تر درآمد می شود. به طوری که خط فقر

از ۷/۱۱ به ۷/۱۰ درصد کاهش می‌یابد. نتایج پژوهش **خدادادکاشی و جاویدی (۲۰۱۲)** در ارزیابی اثر آموزش بر جنبه‌های مختلف فقر در مناطق شهری و روستایی در ایران با استفاده از مدل پروبیت دوگانه نشان دادند با افزایش سطح آموزش و نسبت افراد دارای درآمد در خانوار، احتمال فقر درآمدی، فقر مسکن و فقر بهداشتی خانوارها کاهش می‌یابد و این اثر در آموزش دولتی قوی‌تر است. **خداپرست و داودی (۲۰۱۳)** در دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۰ نشان دادند ارتقا سطح بهداشت و آموزش و هزینه‌های اجتماعی دولت توزیع درآمد را بهتر می‌کند (**صادقی و داوودی، ۲۰۱۴**). با استفاده از مدل گشتاورهای تعمیم‌یافته<sup>۸</sup> نشان داد مخارج آموزشی و رفاه اجتماعی، تأثیر مثبت و مخارج بهداشتی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی در ۵۷ کشور سازمان کنفرانس اسلامی طی دوره ۱۹۷۰ تا ۲۰۱۰ دارد. **احمدی شادمهر و داودی (۲۰۱۵)** با استفاده از سیستم معادلات همزمان به ارزیابی تأثیر متغیرهای اقتصاد کلان و هزینه‌های دولتی بر فقر در دوره ۱۳۶۰ تا ۱۳۹۱ پرداختند. نتایج نشان داد هزینه‌های آموزش و بهداشت تأثیر مثبتی بر کاهش فقر دارد.

## ۲- روش‌شناسی پژوهش

برای ارزیابی تأثیر مخارج آموزش و پرورش و مخارج بهداشتی دولت بر فقر شهری و روستایی در ایران با استفاده از مطالعات قبلی و ادبیات نظری به‌خصوص مطالعات **سوری (۱۹۹۸)**، **زیبایی و شیروانیان (۲۰۱۲)** و **احمدی شادمهری و داوودی (۲۰۱۵)** و سایر مطالعات ذکرشده در بخش ادبیات نظری، فرمول شماره ۱ زیر تصریح شده است:

۱.

$$Pov_t = f(GEDU_t, GHEAL_t, Growth_t, Un_t, Hum_t, Open_t, Oilgdp_t, Oilgdp_t^2) + \epsilon_t$$

در این معادله  $Pov_t$  شاخص فقر مطلق است.  $GEDU_t$  نسبت مخارج آموزش و پرورش دولت به کل مخارج دولت،  $GHEAL_t$  نسبت مخارج بهداشتی دولت به کل مخارج دولت،  $Growth_t$  رشد اقتصادی،  $Un_t$  نرخ بیکاری،  $Hum_t$  شاخص سرمایه انسانی یا نرخ ثبت نام متوسطه،  $Open_t$  شاخص درجه بازبودن،  $Oilgdp_t$  نسبت درآمدهای نفت به تولید ناخالص داخلی و  $Oilgdp_t^2$  نسبت درآمدهای نفت به تولید ناخالص داخلی است تا بتوان تأثیرات آستانه‌ای درآمدهای نفتی بر فقر شهری و روستایی را به دست آورد. اثرات آستانه‌ای درآمدهای نفتی بر رشد اقتصادی در مطالعه **مهرآرا و مکی نیری (۲۰۰۹)** نشان داده شده است؛ بنابراین می‌توان فرضیه وجود آستانه درآمدی نفتی بر فقر را نیز آزمود، زیرا درآمدهای نفتی از طریق مواردی چون ورود تکنولوژی و تقویت صنایع داخلی و همچنین افزایش مخارج دولت و ایجاد اشتغال یا از طریق اعطای یارانه و دیگر پرداخت‌های دولت به اقشار کم‌درآمد، می‌تواند تأثیرات مثبتی در کاهش فقر داشته باشد و از منظری دیگر از طریق تقویت فعالیت‌های رانت‌جویی و گسترش اندازه دولت و در نتیجه اثر برون‌رانی به‌ویژه هنگام سهم زیاد درآمدهای نفتی تأثیراتی منفی بر فقر بر جای گذارد؛ بنابراین، به دلیل اثرات دوگانه درآمدهای نفتی بر فقر، فرضیه تأثیر غیرخطی بودن آن، فرضیه‌ای آزمودنی است که در این مقاله برای نخستین بار تأثیرات آستانه‌ای درآمدهای نفتی بر فقر آزموده

8. GMM

شده است.  $\epsilon_i$  نیز جزء خطای رگرسیون است.

با توجه به اینکه فقر مطلق در برخی سال‌ها نسبتاً زیاد و در برخی سال‌ها نسبتاً کم بوده است، لازم است این تغییرات و پویایی‌های فقر مطلق در طول زمان در مدل‌سازی فقر لحاظ شوند؛ بنابراین برای حصول به نتایج دقیق‌تر، از تصریح مارکوف سوئیچینگ برای مدل‌سازی عوامل مؤثر بر فقر استفاده شده است. این نوع تصریح اجازه می‌دهد فقر را به صورت دو رژیم فقر زیاد و کم مدل‌سازی کنیم. این دو رژیم در طول زمان و به دلیل پویایی شرایط اقتصادی در حال تغییر و انتقال از یک رژیم به رژیم دیگر هستند و به واسطه حلقه مارکوف با یکدیگر ارتباط دارند؛ بنابراین، می‌توان احتمالات انتقال از هر رژیم به رژیم دیگر را نیز به دست آورد. ویژگی این نوع مدل‌سازی بیان رژیم‌ها با احتمال است، زیرا قطعیتی در هر رژیم وجود ندارد که احتمال رخداد آن یک باشد، بلکه به دلیل وجود انواع خطاها در متغیرها و شرایط پویایی متغیرهای اقتصادی، می‌توان از تعبیر «احتمال» رخداد هر واقعه یا رژیم فقر استفاده کرد و این لحاظ کردن قطعیت‌ناداشتن و بیان احتمالی از ویژگی‌های مهم تصریح مارکوف سوئیچینگ است؛ بنابراین تصریح مارکوف سوئیچینگ، فرمول شماره ۱ را می‌توان به صورت فرمول شماره ۲ و به صورت زیر نوشت:

۲.

$$Pov_t^i = \alpha_0^i + \alpha_1 GEDU_t + \alpha_2 GHEAL_t + \alpha_3 Growth_t + \alpha_4 Un_t + \alpha_5 Hum_t + \alpha_6 Open_t + \alpha_7 Oilgdp_t + \alpha_8 Oilgdp_t^2 + \epsilon_t^i$$

در این فرمول اندیس  $i$  به معنای نوع رژیم است که در اینجا دو رژیم یک و دو را برای فقر مطلق فرض کرده‌ایم که هر رژیم یک عرض از مبدأ مختص به خود، به همراه واریانس یا انحراف معیار معینی از فقر دارد. این دو شاخص، یعنی عرض از مبدأ یا میانگین فقر در رژیم یک، انحراف معیار یا واریانس معینی دارند که پراکندگی فقر حول میانگین در رژیم یک را نشان می‌دهد. برای رژیم دو نیز به همین شکل میانگین و واریانس معینی به دست می‌آید. البته لازم است برای اطمینان از وجود دو رژیم فقر مطلق، آزمون نسبت درست‌نمایی<sup>۹</sup> هانسن (۱۹۹۲) را انجام داد که در این آزمون فرضیه صفر خطی بودن مدل، در برابر فرضیه وجود دورژیمی بودن مدل آزموده می‌شود. برای برآورد مدل مارکوف سوئیچینگ از روش حداکثر درست‌نمایی استفاده می‌شود؛ بنابراین تابع لگاریتم درست‌نمایی را می‌توان به صورت فرمول شماره ۳ نوشت:

۳.

$$L = \sum_{t=1}^T \log [p_{1,t} f(\text{Pov}_t | s_t=1) + (1-p_{1,t}) f(\text{Pov}_t | s_t=2)]$$

در این فرمول توزیع شرطی فقر به شرط رخدادن رژیم  $i$  در زمان  $t$  است که نشان‌دهنده رژیم یا وضعیت مدل است. عبارت  $p_{1,t} = \text{Pr}[s_t=1 | \Omega_{t-1}]$  احتمال پیش‌بینی شده است که  $\Omega_{t-1}$  بیانگر مجموعه اطلاعات در زمان  $t-1$  است. تابع درست‌نمایی ذکر شده با استفاده از روش‌های محاسبات عددی ماکزیمم می‌شود. به منظور برآورد

9. Likelihood Ratio test (LR)

تابع درست‌نمایی ذکر شده، از نسخه ۹ نرم‌افزار Eviews استفاده شده است.

### ۳- یافته‌های پژوهش

قبل از برآورد مدل، لازم است از مانایی متغیرهای مدل اطمینان حاصل کرد؛ بنابراین، ابتدا آزمون وجود ریشه واحد متغیرها با آزمون زیوت اندروز<sup>۱۰</sup> انجام شد. دلیل به‌کارگیری آزمون زیوت اندروز آن است که متغیرهای اقتصاد ایران شکست‌های ساختاری متعددی را همچون جنگ، تحریم و شوک‌های نفتی تجربه کرده‌اند؛ بنابراین، در شرایط اقتصاد ایران، استفاده از آزمون‌های مانایی با لحاظ شکست ساختاری نسبت به دیگر آزمون‌های ریشه واحد ارجحیت دارند. بدین منظور از آزمون زیوت اندروز استفاده شده است که یکی از مهم‌ترین آزمون‌های ریشه واحد با لحاظ کردن شکست ساختاری است.

نتایج آزمون مانایی زیوت اندروز نشان داده است تمامی متغیرهای پژوهش در سطح معنای ۵ درصد مانا هستند؛ بنابراین، پس از اطمینان از وجود مانایی در متغیرهای پژوهش، می‌توان مدل را با روش‌های متعارف برآورد کرد. در این پژوهش فرض می‌شود که متغیر فقر از دو رژیم تبعیت می‌کند که یک رژیم با میانگین فقر زیاد و دیگری با میانگین فقر کم مشخص شده است. اما برای اطمینان حاصل کردن از وجود دو رژیم در مدل پژوهش لازم است از آزمون نسبت درست‌نمایی هانسن (۱۹۹۲) استفاده کنیم. در این آزمون فرضیه صفر خطی بودن در مقابل فرضیه وجود دو رژیم آزموده می‌شود. جدول شماره ۱ نتایج این آزمون را برای مدل پژوهش نشان داده است.

نتایج آزمون نسبت درست‌نمایی هانسن برای مدل پژوهش نشان می‌دهد فرضیه صفر خطی بودن مدل فقر رد شده و وجود دو رژیم فقر مطلق در اقتصاد ایران تأیید می‌شود؛ بنابراین، با توجه به جدول شماره ۲ با استفاده از این آزمون می‌توان اطمینان حاصل کرد که مدل فقر را می‌توان با الگوی مارکوف سوئیچینگ با وجود دو رژیم برآورد کرد. نتایج برآورد مدل را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- فقر مطلق در اقتصاد ایران دو رژیم داشته است که یک رژیم با عرض از مبدأ یا میانگین فقر کمتر و واریانس کمتر (رژیم دو یا رژیم فقر کم) و رژیم دیگر با عرض از مبدأ یا میانگین فقر بیشتر و واریانس بیشتر (رژیم یک یا رژیم فقر زیاد) است. نتایج ماتریس انتقال بین دو رژیم نیز به صورت فرمول شماره ۴ به دست آمده است:

۴.

$$\begin{bmatrix} P_{11} & P_{12} \\ P_{21} & P_{22} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} 0.01 & 0.99 \\ 0.62 & 0.38 \end{bmatrix}$$

10. Zivot-Andrews

جدول ۱. آزمون نسبت درست‌نمایی (LR) هانسن

آماره آزمون	P	نتیجه آزمون
۱۱۸/۳۹	۰/۰۰	رد فرضیه صفر و تأیید وجود دورزیمی بودن فقر

فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان

منبع: محاسبات پژوهش

جدول ۲. نتایج برآورد مدل مارکوف سوئیچینگ برای مدل فقر

متغیر	ضریب	آماره t	P
عرض از مبدأ در رژیم یک	۰/۱۴	۱۷/۹۶	۰/۰۰
عرض از مبدأ در رژیم دو	۰/۱۰	۴/۴۵	۰/۰۰
لگاریتم انحراف معیار رژیم یک	-۷/۰۲	-۳۱/۵۲	۰/۰۰
لگاریتم انحراف معیار رژیم دو	-۲/۶۵	-۱۵/۱۴	۰/۰۰
نسبت مخارج آموزش و پرورش به کل مخارج دولت	-۰/۴۶	-۲۰/۴۴	۰/۰۰
نسبت مخارج بهداشتی به کل مخارج دولت	۳/۲۱	۱۱۱/۷۸	۰/۰۰
نرخ بیکاری	۰/۰۲۷	۷۵/۸۷	۰/۰۰
نرخ رشد اقتصادی	-۰/۱۰	-۶/۷۹	۰/۰۰
سرمایه انسانی	-۰/۰۰۱۹	-۲۴/۱۶	۰/۰۰
درجه بازبودن	۰/۱۸	۲۹/۳۷	۰/۰۰
نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی	-۶/۳۰	-۶۹/۴۱	۰/۰۰
مجزور نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی	۲۴/۲۱	۷۲/۵۲	۰/۰۰
لگاریتم درست‌نمایی		۷۶/۵۵	

فصلنامه سیاست های راهبردی و کلان

منبع: محاسبات پژوهش با نسخه ۹ نرم‌افزار Eviews

در این ماتریس احتمال ماندن در رژیم فقر زیاد را نشان می‌دهد که مقدار ۰/۰۱ برای آن به دست آمده است. در مقابل احتمال ماندن در رژیم فقر کم را نشان می‌دهد که مقدار احتمال آن ۰/۳۸ به دست آمده است. همچنین احتمال انتقال از رژیم فقر زیاد به رژیم فقر کم رقم بالای ۰/۹۹ است و احتمال انتقال از رژیم فقر کم به رژیم فقر زیاد نیز ۰/۶۲ است که در مجموع نشان می‌دهد وقوع رژیم فقر کم بسیار محتمل‌تر از رژیم فقر زیاد است. طول دوره ماندن در رژیم فقر زیاد یک دوره (سال) و طول دوره ماندن در رژیم فقر کم ۱/۶۱ دوره (سال) است که نشان از پایداری بیشتر رژیم فقر کم در کشور دارد. تصویر شماره ۱ نیز احتمالات شرطی قرار گرفتن در رژیم فقر زیاد و رژیم کم را نشان داده است که چگونگی انتقال بین دو رژیم فقر زیاد و کم را در هر لحظه از زمان نشان می‌دهد.

۲- نسبت مخارج آموزش و پرورش به کل مخارج دولت تأثیر منفی و معنی داری بر شاخص فقر مطلق داشته است که نشان می دهد مخارج آموزش و پرورش دولت برای گسترش آموزش و پرورش در مناطق مختلف کشور توانسته است از طریق تأثیر بر بهبود سرمایه انسانی و ایجاد فرصت های شغلی برای افراد آموزش دیده موجب کاهش فقر مطلق در کشور شود.

۳- نسبت مخارج بهداشتی به کل مخارج دولت تأثیر مثبت و معنی داری بر شاخص فقر مطلق داشته است. به عبارت دیگر مخارج بهداشتی دولت نتوانسته است از بار سنگین هزینه های بهداشت و درمان برای مردم، به ویژه اقشار کم درآمد و متوسط جامعه بکاهد.

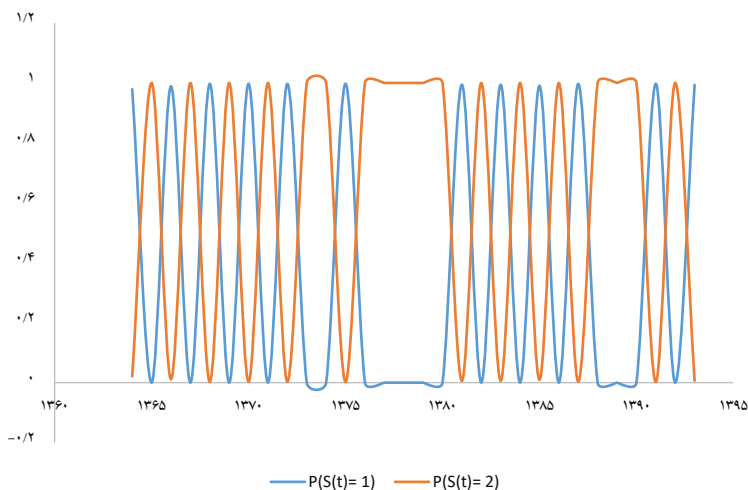
۴- نرخ بیکاری تأثیر مثبت و معنی داری بر فقر داشته است که موضوعی روشن به نظر می رسد، زیرا با افزایش نرخ بیکاری، تعداد افراد بیشتری در تأمین حداقل نیازهای خوراک، پوشاک و مسکن بازمی ماندند؛ بنابراین درصد فقرا افزایش می یابد.

۵- نرخ رشد اقتصادی تأثیری منفی و معنی دار بر فقر مطلق در کشور داشته است که نشان می دهد افزایش رشد اقتصادی از طریق ایجاد کسب و کارهای جدید و بهبود وضعیت اشتغال برای آحاد جامعه توانسته برای افراد بیشتری قدرت تأمین معاش ایجاد کند؛ بنابراین تأثیری مثبت در کاهش درصد فقرا داشته است.

۶- سرمایه انسانی یا نرخ ثبت نام متوسطه نیز تأثیری منفی و معنی دار در فقر مطلق داشته است که این نتیجه با نتیجه مخارج آموزش و پرورش در دولت نیز سازگار است. به عبارت دیگر با افزایش سرمایه انسانی و افزایش نرخ ثبت نام متوسطه، فرصت های بیشتری برای اشتغال، به ویژه برای خانوارهای کم درآمد ایجاد شده است؛ بنابراین، توانسته موجب کاهش فقر مطلق شود. در واقع یکی از راه های نجات خانواده های فقیر، فراهم کردن آموزش برای این خانوارهاست تا کودکان با استعداد در خانوارهای فقیر بتوانند با کسب آموزش و ارتقای سرمایه انسانی، با به دست آوردن فرصت های شغلی و کسب درآمد مناسب، خود و خانواده خود را از قرار گرفتن در زیر خط فقر برهانند.

۷- درجه بازبودن اقتصاد تأثیر مثبت و معنی داری بر فقر مطلق داشته است که این موضوع با توجه به ساختار سنتی اقتصاد ایران و برخی سیاست های اشتباه دولت، همچون ثابت نگه داشتن نرخ ارز اسمی در شرایط تورمی و در نتیجه کاهش نرخ ارز واقعی موجب کاهش توان رقابتی تولیدات داخل و از دست رفتن برخی کسب و کارهای داخلی به دلیل واردات کالاهای مشابه و ارزان خارجی شده است که نتیجه آن، به نفع اقشار ثروتمند و بازرگان و به ضرر تولیدات داخلی بوده است؛ بنابراین علاوه بر افزایش فقر، به بدتر شدن توزیع درآمد در جامعه نیز منجر شده است. باید به این نکته توجه داشت که درجه بازبودن اقتصاد، زمانی نتیجه مناسبی می دهد که علاوه بر بهبود نهادی فضای کسب و کار، دیگر سیاست های پولی و ارزی نیز در خدمت تولید ملی باشند.

۸- نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی تأثیری غیرخطی و آستانه ای بر شاخص فقر مطلق داشته است. به عبارت دیگر تا زمانی که نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی کمتر از ۱۳ درصد باشد، افزایش سهم درآمدهای نفتی در تولید ناخالص داخلی نتوانسته است از طریق افزایش مخارج زیربنایی



تصویر ۱. احتمالات شرطی هموار شده قرار گرفتن در رژیم فقر زیاد (prob 1) و رژیم فقر کم (prob 2)

و عمرانی و مخارج توسعه‌ای دولت، مانند مخارج آموزش و بهداشتی و حتی پرداخت‌های انتقالی موجبات کاهش فقر را فراهم کند، اما پس از افزایش سهم درآمدهای نفتی در اقتصاد و عبور از حد آستانه ۱۳ درصد، افزایش سهم درآمدهای نفتی در تولید ناخالص داخلی، موجبات افزایش فقر مطلق را فراهم کرده است، زیرا افزایش درآمدهای نفتی در اقتصاد از طریق تقویت رانت‌جویی، افزایش بیش از حد بهینه اندازه دولت در اقتصاد و در نتیجه اثرات ازدحامی حضور دولت در اقتصاد، ناکارایی مخارج دولت و دید کوتاه‌مدت سیاست‌گذاران در ترجیح منافع کوتاه‌مدت به بلندمدت، در نهایت موجب افزایش فقر مطلق شده است.

این پدیده را می‌توان کاربردی از فرضیه نفرین منابع دانست که نشان می‌دهد اگر اقتصاد، وابستگی بیش از حدی به درآمدهای نفتی داشته باشد، این درآمدها به جای کاهش فقر، موجب افزایش فقر نیز می‌شوند؛ بنابراین، موهبت منابع در رژیم درآمدهای نفتی کم (هنگامی که نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی، کمتر از ۱۳ درصد باشد) به مصیبتی در رژیم درآمدهای نفتی زیاد (هنگامی که نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی بیشتر از ۱۳ درصد باشد) تبدیل شده است.

#### ۴- بحث و نتیجه‌گیری

هدف این مقاله ارزیابی تأثیرگذاری مخارج آموزش و پرورش و مخارج بهداشتی بر فقر و همچنین ارزیابی فرضیه نفرین منابع از منظر نحوه تأثیرگذاری درآمدهای نفتی بر فقر کشور در بازه زمانی ۱۳۶۴ تا ۱۳۹۳ است. بدین منظور با استفاده از روش مارکوف سوئیچینگ و تصریح دورژیمی فقر مطلق، عوامل مؤثر بر فقر برآورد شد. نتایج برآورد مدل نشان داده است فقر مطلق در اقتصاد ایران دو رژیم فقر کم و زیاد داشته است که رژیم

فقر کم ماندگاری بیشتری نسبت به رژیم فقر زیاد داشته است. همچنین نتایج برآورد مدل نشان داد افزایش نسبت مخارج آموزش و پرورش دولت به کل مخارج دولت، افزایش نرخ رشد اقتصادی و بهبود سرمایه انسانی، همگی موجب کاهش فقر مطلق در ایران شده‌اند که این نتایج با مطالعات فن و همکاران (۲۰۰۱)، آپیا و همکاران (۲۰۱۰)، محد و همکاران (۲۰۱۲)، مهربانی (۲۰۰۸) و احمدی و داودی (۲۰۱۵) سازگار است. همچنین نتایج نشان داده است افزایش نسبت مخارج بهداشتی دولت به کل مخارج دولت تأثیری افزایشی بر فقر مطلق داشته است که این نتیجه با مطالعه صادقی و داودی (۲۰۱۴) سازگار است و با دیگر مطالعات پیشین تفاوت دارد.

همچنین نرخ بیکاری و درجه بازبودن تأثیر مثبت و معنی‌داری بر فقر مطلق داشته‌اند. درنهایت نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی تأثیری غیرخطی و آستانه‌ای بر شاخص فقر مطلق داشته است. به عبارت دیگر تا زمانی که نسبت درآمدهای نفتی به تولید ناخالص داخلی کمتر از ۱۳ درصد باشد، افزایش سهم درآمدهای نفتی در تولید ناخالص داخلی توانسته است موجب کاهش فقر شود، اما پس از افزایش سهم درآمدهای نفتی در اقتصاد و عبور از حد آستانه ۱۳ درصد، افزایش سهم درآمدهای نفتی در تولید ناخالص داخلی موجب افزایش فقر شده است که این نتیجه در راستای مطالعه مهرآرا و مکی نیری (۲۰۰۹) قرار دارد.

با توجه به نتایج این پژوهش پیشنهاد می‌شود با صرفه‌جویی در دیگر مخارج غیرضروری و تقویت سیستم مالیاتی، سهم مخارج آموزش و پرورش دولت افزایش یابد. در این راستا دولت می‌تواند با اجرای صحیح سیاست‌های کلی اصل ۴۴، بسیاری از بنگاه‌های دولتی را به مردم واگذار کند و با درآمد آزادشده از آن به مخارج توسعه‌ای همچون آموزش و بهداشت باکیفیت بپردازد تا سطح فقر مطلق را کاهش دهد. همچنین با توجه به فرضیه نفرین منابع، لازم است دولت از طریق خصوصی‌سازی و سپس تقویت نظام مالیاتی، وابستگی اقتصاد به نفت را کاهش دهد. همچنین با توجه به هزینه‌های سنگین بهداشت و درمان برای خانوارها و ناکارآمدی مخارج بهداشتی دولت در کاهش فقر، لازم است مخارج دولت در بهداشت و درمان به صورت هدفمند هزینه شود تا بتواند بخشی از بار هزینه‌های مخارج بهداشت و درمان خانوارها را کاهش دهد.

به نظر می‌رسد طرح تحول نظام سلامت در همین راستا و در مسیر کاهش بار سنگین هزینه‌های بهداشت و درمان و در نتیجه کاهش فقر اجرا شود. لازم است اجرای این طرح با برطرف کردن مشکلات مربوط به تأمین مالی آن ادامه یابد. یکی از راه‌های تأمین مالی چنین طرح‌هایی، اصلاح نظام مالیاتی کشور در راستای افزایش درآمدهای مالیاتی و کاهش فرار مالیاتی است.

## ملاحظات اخلاقی

### پیروی از اصول اخلاق پژوهش

همه اصول اخلاقی در این مقاله رعایت شده است. ضمناً این مقاله از نوع فراتحلیل است و نمونه انسانی و حیوانی نداشته است.



## حامی مالی

این مقاله با حمایت مالی دانشگاه آیت الله بروجردی (ره) انجام شده است. همچنین استخراجی از طرح پژوهشی ثبت شده در سمات با کد ۱۵۶۶۴-۱۶۱۵۵۴ است.

## مشارکت نویسندگان

تمام نویسندگان در آماده سازی این مقاله مشارکت داشته اند.

## تعارض منافع

بنا به اظهار نویسندگان، در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

## References

- Abhijeet, Ch. (2010). *Does government expenditure on education promote economic growth? Econometric analysis*. Munich: University Library of Munich.
- Acemoglu, D., & Angrist, J. (2000). How large are human-capital externalities? Evidence from compulsory schooling laws. *NBER macroeconomics annual*, 15, 9-59. [DOI:10.1162/08893360052390220]
- Achia, T. N., Wangombe, A., & Khadioli, N. (2010). A logistic regression model to identify key determinants of poverty using demographic and health survey data. *European Journal of Social Sciences*, 13(1), 38-45.
- Alaadini, P., & Emami, Y. (2005). [International migration and poverty: The Iranian case (Persian)]. *Social Welfare*, 5(18), 166-97.
- Alam, S., Sultana, A., & Butt, M. S. (2010). Does social expenditures promote economic growth? A multivariate panel cointegration analysis for Asian countries. *European Journal of Social Sciences*, 14(1), 44-54.
- Ahmadi Shadmehri, M. T., & Davoodi, A. (2015). [Government expenditures on basic social & economic infrastructures and poverty alleviation in Iran (Persian)]. *Quarterly Journal of the Macro & Strategic Policies*, 3(10), 1-16.
- Annabi, N., Harvey, S., & Lan, Y. (2011). Public expenditures on education, human capital and growth in Canada: An OLG model analysis. *Journal of Policy Modeling*, 33(6), 852-865. [DOI:10.1016/j.jpolmod.2011.08.020]
- Arab Mazar, A., & Hosseininejad, S. M. (2004). [Estimation of poverty rate and severity in different job groups of Iranian households (Persian)]. *Agricultural Economic and Development*, 12(45), 113-40.
- Arrow, K., J. *Economic welfare and the allocation of resources for invention*. In *readings in industrial economics 1972* (pp. 219-236). London: Palgrave.
- Atkinson, A. (1987). On the measurement of poverty. *Econometrica*, 55, 749-60. [DOI:10.2307/1911028]
- Barro, R. J. (1991). Economic growth in a cross section of countries. *The Quarterly Journal of Economics*, 106(2), 407-43. [DOI:10.2307/2937943]
- Becker, G. (1964). *Human Capital: A theoretical and empirical analysis, with special reference to education*. Chicago: University of Chicago Press.
- Carabana, J. (2016). [*Rich and poor. Economic inequality in Spain* (Spanish)]. Madrid: Catarata.
- Collier, P., & Goderis, B. (2008). *Commodity prices, growth, and the natural resource curse: Reconciling a conundrum*. MPRA Paper 17315. Munich: University Library of Munich.
- Dargahi, H. (2009). [Oil boom and economic development challenges (Persian)]. *Journal of Economic Research*, 43(3), 1-23.
- Davis, M. J. M., Fedelino, M. A., & Ossowski, M. R. (2003). *Fiscal policy formulation and implementation in oil-producing countries*. *International Monetary Fund; Working Paper No. 2004-7*. Massachusetts: University of Massachusetts Amherst.
- Deaton, A. (2007). *Income, aging, health and wellbeing around the world: evidence from the Gallup World Poll*. *NBER Working Paper No. 13317*. New York: National Bureau Economic Research (NBER). [DOI:10.3386/w13317]
- Elmi, Z., & Alitabar, F. (2013). [The effect of education and household size on poverty in urban areas of Iran (2005 and 2009) (Persian)]. *Social Welfare Quarterly*, 12(46), 109-41.
- Ercolani, V., & e Azevedo, J. V. (2014). The effects of public spending externalities. *Journal of Economic Dynamics and Control*, 46, 173-199. [DOI:10.1016/j.jedc.2014.06.016]

- Fan, S., Hazell, P., & Thorat, S. (2001). *Linkages between Government Spending, Growth and Poverty in India*, Research Report 110. Washington, D.C.: International Food Policy Research Institute (IFPRI).
- Fan, S., Zhang, L., & Zhang, X. (2002). *Growth, Inequality and Poverty in Rural China: The Role of Public Investments*; Research Report 125. Washington, D.C.: International Food Policy Research Institute (IFPRI).
- Fan, S., Jitsuchon, S., & Methakunnavut, N. (2004a). *The importance of public investment for rural poverty reduction in middle income countries: The case of Thailand*; DSDG Discussion Paper 7. Washington, D.C.: International Food Policy Research Institute (IFPRI).
- Fan, S., Zhang, X., & Rao, N. (2004b). *Public expenditure, growth and poverty reduction in Uganda*. Washington, D.C.: International Food Policy Research Institute (IFPRI).
- Fan, S., Nyange, D., & Rao, N. (2006). *Public expenditure, poverty reduction in Tanzania*. Washington, D.C.: International Food Policy Research Institute (IFPRI).
- Fuchs, V. R. (1966). The contribution of health services to the American economy. *The Milbank Memorial Fund Quarterly*, 44(4), 65-103.
- Galbraith, J. K. (1990). *Nature of mass poverty* [S. M. H. Adeli, Persian Trans]. Tehran: Ettela'at.
- Gewirtz, S. (2017). Rethinking education and poverty. *British Journal of Sociology of Education*, 38(7), 1081-8. [DOI:10.1080/01425692.2017.1349654]
- Ghafari, Gholamreza; Haghparat, Abbas (2004). Indicators of Poverty in Rural Areas (Case Study of Azadshahr Villages), *Iranian Journal of Sociology*, 5 (4): 32-48.
- Grossman, G., & Helpman, E. (1991). *Innovation and growth in the global economy*. Massachusetts: MIT.
- Grossman, M. (1972). On the concept of health capital and the demand for health. *Journal of Political economy*, 80(2), 223-55. [DOI:10.1086/259880]
- Hansen, B. E. (1992). The likelihood ratio test under nonstandard conditions: Testing the Markov switching Model of GNP. *Journal of Applied Econometrics*, 7(1), 61-82. [DOI:10.1002/jae.3950070506]
- Ighodaro, C. A., & Oriakhi, D. E. (2010). Does the relationship between government expenditure and economic growth follow wagner's law in nigeria. *Annals of University of Petrosani Economics*, 10(2), 185-198.
- Jorjorzadeh, A. (2012). [Resource Curse: The relationship between natural resource abundance and poverty in Iran (Persian)]. *Social Welfare Quarterly*, 12(46), 153-74.
- Kakwani, N., Wagstaff A., & Van Doorslaer, E. (1997). Socioeconomic inequalities in health: Measurement, computation, and statistical inference. *Journal of Econometrics*, 77(1), 87-103.
- Kamali, P. (1997). [*Economic poverty and ways to deal with it* (Persian)]. Tehran: Ministry of Economic Affairs and Finance.
- Keshavarz Haddad, Gh., & Cheraghi, D. (2007). [The rating of production potentials and employment creating in Iran's economy, by using input-output index (Persian)]. *Journal of Economic Research*, 7(24), 47-76.
- Khaledi, K. (2005). [*Evaluating the relationship between agricultural growth, poverty and income distribution in rural areas of Iran* (Persian)] [PhD. thesis]. Tehran: Islamic Azad University, Science and Research Branch.
- Khalkhali, A., Mehrgan, M. & Daliri, H. (2010). [Investigating the effects of Education structure on the income Distribution Quarterly (Persian)]. *Journal of Economic Modelling*, 4(2), 57-72.

- Khodad kashi, F., Heidari, Kh., & Bagheri, F. (2005). [An estimation of poverty line in Iran during 1984-2000 (Persian)]. *Social Welfare Quarterly*, 4(17), 137-65.
- Khodadad Kashi, F., & Javidi, E. (2012). [The effects of education on different aspects of poverty in urban and rural areas of Iran (Persian)]. *Social Welfare*, 12(46), 93-121.
- Khoda Parašt, M., & Davoudi, A. (2013). [Government expenditures and poverty and inequality in Iran (Persian)]. *Quarterly Journal of the Macro & Strategic Policies*, 1(4), 34-50.
- Khodaveisi, H., & Gharebaghian, M. (1997). [Study of Dutch disease in Iranian economy (Persian)]. *Human Sciences MODARES*, 2(2), 28-30.
- Khoshkhalgh, R., & Moosavi Mohseni, R. (2007). [Oil shocks and Dutch disease in Iranian economy: A computable general equilibrium (Persian)]. *Journal of Economic Research*, 41(6), 97-117.
- Lucas Jr, R. E. (1988). On the mechanics of economic development. *Journal of monetary economics*, 22(1), 3-42. [\[DOI:10.1016/0304-3932\(88\)90168-7\]](https://doi.org/10.1016/0304-3932(88)90168-7)
- Madden, D. D. P. (1999). *Relative or absolute poverty lines: A new approach*. Clerkenwell, London: Centre for Economic Research (CEPR).
- Mahmoodi, V. (2002). [Measuring poverty in Iran (Persian)]. *Iranian Journal of Trade Studies*, 6(24), 27-57.
- Malik, S., Chaudhry, I. S., & Hanif, I. (2012). Analysis of Rural Poverty in Pakistan; Bi-Model Estimation of Some Selected Villages. *International Journal of Humanities and Social Science*, 2(8), 73-80.
- Mankiw, N. G., Romer, D., & Weil, D. N. (1992). A contribution to the empirics of economic growth. *Quarterly Journal of Economics*, 107(2), 407-37. [\[DOI:10.2307/2118477\]](https://doi.org/10.2307/2118477)
- Mehrara, M., & Maki Nayeri, M. (2009). [ Evaluation of nonlinear relation between oil revenues and economic growth using threshold limit method (case of Iran) (Persian)]. *Quarterly Energy Economics Review*, 6(22), 29-52.
- Mehrbani, V. (2008). [Impact of education on poverty and inequality of income (Persian)]. *Tahghighate Eghtesadi*, 34(28), 211-25.
- Mincer, J. (1958). Investment in human capital and personal income distribution. *Journal of Political Economy*, 66(4), 281-302.
- Moshkani, A. (2012). [The impact of education expenditures on human capital, economic growth and poverty in Iran using the General Equilibrium Model (Persian)] [PhD. thesis]. Isfahan: University of Isfahan.
- Mohd Hussin, Y. M., Muhammad, F., & Fauzi, M. (2012). Education expenditure and economic growth: A causal analysis for Malaysia. *Journal of Economics and Sustainable Development*, 3(7), 71-81.
- Mushkin, S. J. (1962). Health as an Investment. *Journal of political economy*, 70(5, Part 2), 129-57. [\[DOI:10.1086/258730\]](https://doi.org/10.1086/258730)
- Muysken, J., Yetkiner, I. H., & Ziesemer, T. (2003). Health, Labor, Productivity and Growth. In H. Hagemann & S. Seiter (Eds.), *Growth Theory and Growth Policy* (pp. 257-271). London: Routledge.
- Nourmohammadi, M., & Hazery, H. (2011). [Factors related to urban poverty during (1984-2006) (Persian)]. *Social Welfare*, 11(40), 367-400.
- Niloofer, P., & Ganjali, M. (2008). [Assessing effective factors on poverty using Bayesian networks (Persian)]. *Social Welfare*, 7(28), 107-28.

- Omari L. V., & Muturi, W. (2016). The effect of government sectorial expenditure on poverty level in Kenya. *Global Journal of Human-Social Science*, 16(2), 1-11.
- Osundina, C. K., Ebere, C., & Osundina, O. A. (2014). Disaggregated government spending on infrastructure and poverty reduction in Nigeria. *Global Journal of Human-Social Science Research*, 14(5), 1-8.
- Pajooyan, J. (1994). Method of establishing a poverty line. *Iranian Economic Review*, 1(1), 44-57.
- Pirae, Kh., & Shahsavari, M. R. (2009). Measuring the impact of price changes of goods and services on poverty in Iran (Persian)]. *Iranian Journal of Economic Research*, 12(36), 153-86.
- Rahmani, T., & Goleštani, M. (2010). [Resource curse, rent-seeking, and income inequality in oil rich countries (Persian)]. *Journal of Economic Research*, 44(4), 25-48.
- Raghfar, H. (2005). [Poverty and power structure in Iran (Persian)]. *Social Welfare*, 4(17), 249-89.
- Ra'is Dana, F., Shaditalab, J., Piran, P. (2000). [Poverty in Iran (Persian)]. Tehran: University of Social Welfare and Rehabilitation Sciences.
- Romer, P. M. (1990). Endogenous technological change. *Journal of political Economy*, 98(5, Part 2), S71-S102. [DOI:10.1086/261725]
- Ross, M. L. (2001). Does oil hinder democracy? *World Politics*, 53(3), 325-61. [DOI:10.1353/wp.2001.0011]
- Rowntree, B. S. (1901). *Poverty: A study of town life*. London: Macmillan.
- Sachs Jeffrey D., & Warner, A. M. (1995). *Natural Resources Abundance and Economic Growth*. NBER Working Paper No.5389. New York: National Bureau Economic Research (NBER).
- Sadegi, H., & Davoudi, A. (2014). [The investigation of government expenditure impacts on rural poverty in iran print (Persian)]. *Journal of Economic Research and Policies*, 19(58), 107-26.
- Salehi-Isfahani, D., & Majbouri, M. (2013). Mobility and the dynamics of poverty in Iran: Evidence from the 1992–1995 panel survey. *The Quarterly Review of Economics and Finance*, 53(3), 257-67.
- Sameti, M., & Karami, A. (2005). [Investigating the impact of government cost in agriculture on rural poverty in the country (Persian)]. *Journal of Economic Research*, 39(4), 1-19.
- Sanz, R., Peris, J. A., & Escámez, J. (2017). Higher education in the fight against poverty from the capabilities approach: The case of Spain. *Journal of Innovation & Knowledge*, 2(2), 53-66. [DOI:10.1016/j.jik.2017.03.002]
- Scheffler, R. M. (2004). *Health expenditure and economic growth: An international perspective. Occasional papers on globalization*. South Florida: University of South Florida.
- Schubert, S. R. (2006). *Revisiting The oil curse: Are oil rich nations really doomed to autocracy and inequality?* [Internet]. Retrieved from <https://mpra.ub.uni-muenchen.de/10109/>
- Schultz, T. W. (1961). Investment in human capital. *The American Economic Review*, 51(1), 1-17.
- Sen, A. (1976). Poverty: An ordinal approach to measurement. *Econometrica: Journal of the Econometric Society*, 44, 219-31. [DOI:10.2307/1912718]
- Souri, D. (1998). [Poverty and macroeconomic policies (1988-1996) (Persian)]. *Plan and Budget*, 3(10-11), 155-83.

- Stiglitz, J. E. (2015). [*The big gap. What to do with unequal societies* (Spanish)]. Madrid: Taurus.
- Tarazkar, M. H., & Zibae, M. (2005). [Study of social welfare and income distribution and poverty criteria in rural and urban communities; Case study of Fars, Isfahan and Semnan Provinces (Persian)]. *Agricultural Economic and Development*, 12(48), 137-54.
- Torkamani, J., Jamali Moghadam, E. (2005). [Effects of government expenditure on poverty reduction in rural areas of Iran (Persian)]. *Iranian Journal of Economic Research*, 7(25), 153-73.
- Van der Ploeg, F. (2007). *Challenges and Opportunities for Resource Rich Economics. Discussion Paper; 5688*. Clerkenwell, London: Centre for Economic Research (CEPR).
- Van Zon, A., & Muysken, J. (2001). *Health and endogenous growth. Journal of Health economics*, 20(2), 169-85. [DOI:10.1016/S0167-6296(00)00072-2]
- Wang, K. M. (2011). *Health care expenditure and economic growth: Quantile panel-type analysis. Economic Modelling*, 28(4), 1536-49. [DOI:10.1016/j.econmod.2011.02.008]
- Zibaei, M. & Shirvanian, A. R. (2007). [Investigating the impacts of macroeconomic variables on rural and urban poverty rates in Iran (Persian)]. *Agricultural Economics*, 3(2), 15-36.
- Zuluaga B. (2007). Different channels of impact of education on poverty: An analysis for Colombia. Retrived from <http://ssrn.com/abstract=958684>.